

بسم الله الرحمن الرحيم

## اندیشه و عملکرد آیت‌الله شهید بهشتی و پیام‌های آن از افق مسائل امروز

چکیده:

در تاریخ انقلاب و جمهوری اسلامی شاید کمتر شخصیتی به اندازه شهید آیت‌الله بهشتی آماج تهمت‌ها و افتراهای گوناگون قرار گرفته باشد، به همین علت هم مطالعه و بازخوانی شخصیت و اندیشه سیاسی شهید بهشتی و هم چپستی و چرایی تهمت‌ها علیه ایشان - که امروزه در قالب جنگ شناختی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران معنا می‌یابد - جای توجه دارد:

۱- آیت‌الله دکتر بهشتی یکی از شاگردان مهم و تأثیرگذار امام خمینی(ره) بود که نقش مهمی در ترویج ایدئولوژی اسلامی و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ایران ایفا کرد. ایشان با برخورداری از تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و تدریس در حوزه و مدارس، تاسیس دبیرستان «دین و دانش» و فعالیت‌های مطبوعاتی حضور روحانیت در نهادهای علمی - فرهنگی قدیم و جدید را به نمایش گذاشت.

۲- آیت‌الله بهشتی طی سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۹ در مقام مدیر مرکز اسلامی هامبورگ، نقش بسیار مهمی در برقراری پیوند اندیشه اسلامی با مبارزات دانشجویی خارج از کشور و پیشرفت و توسعه این تشکل دانشجویی ایفا کرد. تا آن زمان تشکل‌های دانشجویی ایرانیان خارج از کشور به صورت پراکنده فعالیت می‌کردند، اما با اقدامات ایشان، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور، به رساترین صدای نهضت اسلامی ایران در خارج از ایران تبدیل شد.

۳- شهید بهشتی بعد از انقلاب اسلامی، اقدامات بسیار اساسی و مبنایی را انجام دادند. تفکر تشکل‌گرا و نهادمند ایشان باعث شد تا در دوران کوتاه زندگی بعد از انقلاب اسلامی اقداماتی همچون تأسیس حزب جمهوری اسلامی و تداوم رویکرد تشکیلاتی به حوزه سیاست، انتظام امور قضایی، ایفای نقش فعال در تدوین قانون اساسی را به سرانجام برساند.

۴- محورهای اصلی اندیشه سیاسی شهید بهشتی را می‌توان موارد ذیل برشمرد: بازخوانی اسلام با نگاه به مقتضیات روز، جامعیت اسلام و پاسخ به نیازهای بشر، ولایت فقیه در عصر غیبت و پیوند اسلامیت و جمهوریت، نقد مکاتب ماده‌گرا.

۵- جنگ شناختی معاندین (سازمان مجاهدین خلق و ملی‌گراها) علیه آیت‌الله بهشتی تا سر حد ترور شخصیتی ایشان، یکی از موضوعات مهم

است که بررسی آن نکات ارزشمندی را در زمینه شناخت انگیزه‌های مخالفان جمهوری اسلامی بیان می‌دارد. اما حمایت امام خمینی (ره) از شهید بهشتی مانع از تأثیرگذاری تبلیغات مخالفان و معاندین شد. امام خمینی (ره) بعد از حادثه ترور شهید بهشتی و یارانشان گفتند: «مراتب فضل ایشان و مراتب تفکر ایشان و مراتب تعهد ایشان بر من معلوم بود و آنچه که من راجع به ایشان متاثر هستم [این است که] شهادت ایشان در مقابل او ناچیز است و آن مظلومیت ایشان در این کشور بود.»

۶- شخصیت و اندیشه شهید بهشتی و دلایل دشمنی‌های شدید علیه ایشان، چند نکته را برای اندیشیدن به مسائل امروز کشور و پرتویی بر حلّ این مسائل بیان می‌دارد:

**اول-** کنش سیاسی تشکّل‌گرا، تفکر نهادمند، عمل سیاسی با ضابطه و برنامه‌ریزی شده با هدف تقویت نظام جمهوری اسلامی (به معنای نهادینه سازی ارزش‌های حاکم و افزایش جامعه پذیری سیاسی و نیز پاسخ به تقاضاهای جامعه) و در عین حال برخورداری از رویکردی منعطف و انتقادپذیر از جمله ارزش‌های مهمی است که در اندیشه و عمل شهید بهشتی به عیان دیده می‌شود.

**دوم-** مروری بر انگیزه‌های جریانات و عناصر مخالف شهید بهشتی بیان‌گر ترس و واهمه آن‌ها از اقدامات تشکّل‌گرا و اندیشه نهادمند است.

**سوم-** انعطاف سیاسی شهید بهشتی و بحث و گفتگو با مخالفان خود به-  
معنای عدم نگرش تقابلی و حذفی به حوزه سیاست است. تحکیم حیات  
جمهوری اسلامی امروزه با چنین نگرش‌هایی مقدور است.

**مقدمه:**

در تاریخ انقلاب و جمهوری اسلامی شاید کمتر شخصیتی به اندازه شهید آیت‌الله بهشتی آماج تهمت‌ها و افتراهای گوناگون قرار گرفته باشد و اگر دفاع همه جانبه، امام خمینی(ره) از آیت‌الله بهشتی نبود، شاید این افتراها می‌توانست روایت کذب خود را از اندیشه و عملکرد شهید بهشتی در افکار عمومی نهادینه سازد. دشمنی با آیت‌الله بهشتی که در نهایت منجر به ترور ایشان و ۷۲ نفر از مقامات برجسته سیاسی کشور در حادثه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰، شد، معنای مهمی را از ماهیت عناصر و جریانات مخالف و واگرا در تاریخ جمهوری اسلامی ایران عیان می‌دارد. این دشمنی امروزه هم از سوی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج ادامه یافته و این رسانه‌ها با همان مفاهیمی که مخالفان دیروز دست به ترور شخصیت شهید بهشتی می‌زدند، علیه شخصیت، اندیشه و عملکرد آیت‌الله شهید تبلیغ می‌کنند.

به این ترتیب هم مطالعه و بازخوانی شخصیت و اندیشه سیاسی شهید بهشتی اهمیت دارد و هم چستی و چرایی تهمت‌ها علیه ایشان - که امروزه در قالب جنگ شناختی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران معنا می‌یابد -

---

۱- پیام امام خمینی جلوتر آمده است.

جای توجه دارد. از مجموع این مباحث نیز می‌توان پیام‌هایی را در زمینه برخی از مسائل امروز کشور برداشت کرد.

## الف) آیت‌الله بهشتی در دوران قبل از انقلاب اسلامی

آیت‌الله دکتر بهشتی یکی از شاگردان مهم و تأثیرگذار امام خمینی(ره) بود که نقش مهمی در ترویج ایدئولوژی اسلامی و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ایران ایفا کرد. ایشان با برخورداری از تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و تدریس در حوزه و مدارس، تاسیس دبیرستان «دین و دانش» و فعالیت‌های مطبوعاتی حضور روحانیت در نهادهای علمی- فرهنگی قدیم و جدید را به نمایش گذاشت.<sup>۲</sup>

### ۱- فعالیت‌های علمی- فرهنگی و تبلیغ نهادمند دین

آیت‌الله بهشتی که در جریان گذارندن دروس حوزوی، تصمیم به تحصیل در دانشگاه گرفت، طی سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۰ موفق به اخذ درجه کارشناسی در رشته فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران - دانشکده معقول و منقول وقت- شد و رساله ایشان در این مقطع، با عنوان «تحقیق درباره بساطت یا ترکب جسم»، به راهنمایی مرحوم استاد محمود شهابی تدوین شد. ایشان در سال ۱۳۳۵ داوطلب

۲- شعبانی، ۱۳۸۷: ۳۹-۵۰

ورود به دوره دکتری در همان رشته شد. گذراندن دروس این دوره در سال 1338 به پایان رسید.<sup>۳</sup> شهید بهشتی حتی در سال ۱۳۳۰ وارد وزارت فرهنگ شد، که این حرکتی جدید و بی سابقه در میان طلاب حوزه علمیه قم بود. از دیگر اقدامات مهم ایشان تاسیس مدرسه دین و دانش در قم در سال ۱۳۳۳ بود که با کمک آیت الله حاج آقا مرتضی حائری انجام شد و شهید بهشتی ریاست آن را برعهده گرفت. تاسیس این مدرسه موجب تماس مستمر فرهنگیان و دبیران با روحانیون شد و افراد مهمی که بعد از انقلاب اسلامی به مسئولیت‌های مختلف رسیدند از این مدرسه فارغ التحصیل شدند. مدرسه علمیه حقانی نیز به همت شهید بهشتی و با هدف تربیت طلاب جوان برای بحث‌های نوین اجتماعی و با کمک مالی آقای حقانی در سال ۱۳۴۲ تاسیس شد. این مدرسه با روش‌های نوین و تدریس دروس قدیم و جدید اداره می‌شد و شهید بهشتی نیز خود فلسفه و زبان آلمانی در این مدرسه تدریس می‌کرد. آیت الله میلانی نیز به این مدرسه توجه ویژه ای داشت و بخشی از بودجه آن را تامین می‌کرد.<sup>۴</sup>

در این زمان که جریان روحانیت مخالفت با وضع موجود را از راه تبلیغ و اقدامات فرهنگی دنبال می‌کرد، انتشار ماهنامه و فصلنامه‌های مختلف نیز

۳- بهشتی حسینی، (خدا از دیدگاه قرآن)، ۱۳۷۹: ۱۱.

۴- شعبانی، پیشین، ۱۳۸۷: ۴۰-۶۰.

مورد توجه آن‌ها بود و آیت‌الله بهشتی نیز در این زمینه فعال بود. در سال ۱۳۳۶ ماهنامه «مکتب اسلام» و فصلنامه «مکتب تشیع»، توسط هاشمی رفسنجانی، علی دوانی، شهید باهنر، مجدالدین محلاتی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله نوری همدانی و با همکاری چند نفر دیگر از علمای سیاسی حوزه تأسیس شد. بیشتر مقالاتی که در این نشریه منتشر می‌شد، محتوای - اسلام - سیاسی داشت. آیت‌الله بهشتی یکی از نویسندگان ماهنامه مکتب اسلام و فصلنامه مکتب تشیع بود و مقالات مختلفی را در زمینه نظام اقتصادی اسلامی، بانکداری اسلامی و مالیات در اسلام منتشر کرد.<sup>۵</sup>

در سال ۱۳۳۹ آیت‌الله بهشتی با همراهی شهید دکتر مفتاح، آیت‌الله نوری همدانی و عده‌ایی دیگری از روحانیون سیاسی قم، «کانون اسلامی دانش - آموزان و فرهنگیان» را در قم تأسیس کردند که به مرکز وحدت طلبه و دانشجو در قم تبدیل شده بود و همین تشکل مبنایی جهت وحدت بین حوزه و دانشگاه گردید. یکی دیگر از اقدامات مهم شهید بهشتی تشکیل گروه تحقیقاتی «حکومت در اسلام» بود و روحانیونی همچون موسوی اردبیلی، مهدوی کنی، علی مشکینی، محمد جواد حجتی کرمانی، عمید زنجانی، هاشمی رفسنجانی و مصباح یزدی با شهید بهشتی در این طرح تحقیقاتی همکاری می‌کردند.

---

۵- همان: ۶۴-۶۶.



## ۲- فعالیت‌های سیاسی و رویکرد تشکیلاتی به سیاست

از دیگر اقدامات آیت‌الله بهشتی تاسیس انجمن‌های اسلامی و کانون دانش-آموزان در قم بود. شهید بهشتی به هنگام تبعید از قم به تهران فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی خود را در تهران نیز ادامه داد، از جمله آن مشارکت در تاسیس مدرسه رفاه که مختص دانش‌آموزان دختر بود و افرادی همچون باهنر، محمد علی رجایی و هاشمی رفسنجانی جزء هیئت امنای آن بودند. مشارکت در تدوین کتب درسی آموزش و پرورش، رسیدگی به امور کتابخانه‌ها، تاسیس مکتب توحید که یک مرکز علمی برای زنان مسلمان بود، برگزاری جلسات گفتار ماه در سال ۱۳۳۸ از جمله فعالیت‌های ایدئولوژیک آیت‌الله بهشتی بود. جلسات گفتار ماه با هدف ترویج ایدئولوژی اسلامی در جامعه و به‌ویژه در بین جوانان برگزار می‌شد و سخنرانی‌های آن ضبط و سپس در قالب جزوه و کتاب منتشر می‌شد. علاوه بر آیت‌الله بهشتی، استاد مطهری و آیت‌الله طالقانی از دیگر سخنرانان این جلسات بودند و همین جلسات به نوعی الگویی برای جلسات حسینه ارشاد شد.<sup>۶</sup>

---

۶- همان: ۹۰-۱۱۰.

یکی دیگر از مسئولیت‌های مهم آیت‌الله بهشتی در تهران عضویت در شورای فقهی هیئت‌های موتلفه اسلامی بود که در کنار استاد مطهری، آیت‌الله انواری و آیت‌الله مولایی از جانب امام خمینی(ره) شورای فقهی این جمعیت را تشکیل می‌دادند و وظیفه‌ی سازمان دهی هیئت‌ها، آموزش عقیدتی و سیاسی و صدور فتوا را بر عهده داشتند و جلسات سخنرانی نیز برگزار می‌شد که از جمله استاد مطهری در موضوع «قضا و قدر» و آیت‌الله بهشتی در موضوع «حکومت در اسلام» سخنرانی کرد. دکتر باهنر نیز مسئولیت آموزش هیئت‌ها را برعهده داشت. آیت‌الله بهشتی در سال ۱۳۴۳ بنا به درخواست عده‌ای از علما از جمله آیت‌الله میلانی، خوانساری و حائری برای سرپرستی مسجد ایرانیان هامبورگ به آلمان رفت و به مدت ۶ سال این مسئولیت را برعهده داشت. ایشان در آلمان هم به تبلیغ و ترویج نهضت امام خمینی و ایجاد ارتباط و هماهنگی بین نیروهای انقلابی در خارج از کشور پرداخت.<sup>۷</sup>

### ۳- گسترش دامنه نهضت اسلامی ایران به خارج از کشور

آیت‌الله بهشتی طی سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۹ در مقام مدیر مرکز اسلامی هامبورگ، نقش بسیار مهمی در برقراری پیوند اندیشه اسلامی با مبارزات

۷- همان: ۱۱۸-۱۳۰.

دانشجویی خارج از کشور و پیشرفت و توسعه این تشکل دانشجویی ایفا کرد. تا آن زمان تشکلهای دانشجویی ایرانیان خارج از کشور به صورت پراکنده فعالیت می‌کردند، اما با اقدامات ایشان، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور، به رساترین صدای نهضت اسلامی ایران در خارج از ایران تبدیل شد که در تثبیت رهبری امام خمینی، افشاگری نسبت به سیاست‌های ظالمانه نظام شاهنشاهی، سیاست‌های سلطه‌طلبانه ابرقدرت‌ها در منطقه و جهان و پشتیبانی از نهضت‌های آزادیبخش اسلامی، از جمله مبارزات مردم فلسطین، نقش مهمی ایفا کرد.<sup>۸</sup>

### **ب) عملکرد شهید بهشتی در دوران بعد از انقلاب اسلامی**

شهید بهشتی در دوران کوتاه زندگی خود بعد از انقلاب اسلامی، اقدامات بسیار اساسی و مبنایی را انجام دادند و اگر توسط عوامل نفاق ترور نمی‌شدند، می‌توانستند نقش بسیار پُررنگ‌تری در تقویت و نهادینه‌سازی حکم‌رانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران داشته باشند، چرا که تفکر تشکلی-گرا و نهادمند ایشان می‌توانست به مطلوب‌سازی بیشتر کنش‌های سیاسی هواداران انقلاب اسلامی منجر شود. در مجموع اکنون ما با همین دوره

۸- بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، ۱۳۸۶: ۱۰.

کوتاه فعالیت ایشان بعد از انقلاب سروکار داریم و با مطالعه این دوران می-توانیم بهره‌هایی را برای امروز ببریم.

## ۱- تأسیس حزب جمهوری اسلامی و تداوم رویکرد تشکیلاتی به حوزه سیاست

یکی از مهم‌ترین اقدامات شهید بهشتی در این دوران تأسیس حزب جمهوری اسلامی با کمک سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، سیدعلی خامنه‌ای (مقام معظم رهبری) و محمدجواد باهنر بود و خود ایشان (شهید بهشتی) به عنوان نخستین دبیرکل حزب انتخاب شد. اساساً رویکرد تشکیلات محوری و توان سازماندهی نیروهای سیاسی از جمله ویژگی‌های مهم شهید بهشتی بود که به گفته جواد منصوری برگرفته از شناخت و تجربه ایشان از محیط سیاسی غرب، به‌هنگام اقامت در آلمان بود.

جواد منصوری همچنین درباره دیگر فعالیت‌های شهید بهشتی بعد از انقلاب می‌گوید: «در خصوص سپاه پاسداران شهید بهشتی یکی از اصلی‌ترین حامیان شکل‌گیری این نهاد تاثیر گذار بودند. در خصوص

دادگاه‌ها، دادسراها کمیته‌های انقلابی و تقریباً شکل‌گیری و راه‌اندازی همه نهادها ایشان موثر بودند و مهم‌تر اینکه دارای فکر و ایده سازنده بودند.<sup>۹</sup>

## ۲- انتظام امور قضایی

ریاست دیوان عالی کشور که در آن زمان جایگاه قوه قضائیه امروز را داشت، طبق حکم امام خمینی(ره) در سال ۱۳۵۸، از دیگر مسئولیت‌های مهم شهید بهشتی در دوران بعد از انقلاب اسلامی است. حضرت امام(ره) در این حکم وظیفه «ایجاد تشکیلات نوین قضایی بر اساس تعالیم مقدس اسلام... و تدوین لوایح قضایی جدید جمهوری اسلامی ایران» را به شهید بهشتی تکلیف کردند و این موضوع در شرایط ماه‌های اولیه شکل‌گیری جمهوری اسلامی که جریان‌ات و نهادهای مختلفی با هدف ساماندهی اوضاع کشور، گاه دست به اقدامات خودسرانه می‌زدند، از اهمیت زیادی برخوردار بود. از همین رو یکی از اقدامات شهید بهشتی در این دوران تلاش برای ایجاد پلیس قضایی بود تا «وضعیت ضابطین دادگستری را سامان بخشد. یکی از انگیزه‌های دیگر این کار، به خاطر تجربیات تلخی بود که از تعدد و ناهماهنگی نیروهایی که در آن زمان به عنوان ضابطین قضایی به ویژه در کمیته‌ها، شهربانی و ژاندارمری مشغول کار بودند ناشی می‌شد.

۹ - <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395>

به همین جهت شهید بهشتی اصرار داشت تا پلیس قضایی شکل بگیرد، ولی مخالفین و منتقدین سیاسی ایشان در آن زمان مطرح کردند که بهشتی می‌خواهد برای خود ارتش تشکیل دهد، در حالی که پلیس قضایی یک پلیس تخصصی برای انجام امور قضایی بود.<sup>۱۰</sup>

### ۳- ایفای نقش فعال در تدوین قانون اساسی

دیگر سرفصل فعالیتی شهید بهشتی در زمینه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی و تدوین قانون اساسی بود. آیت‌الله بهشتی که خود در آن مجلس به نمایندگی از مردم تهران عضویت داشت، از سوی نمایندگان به عنوان نایب رئیس مجلس خبرگان انتخاب گردید و عملاً اداره آن را بر عهده گرفت و در تنظیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تصویب آن تلاش و تأثیر بسیار داشت. به گفته آیت‌الله حسین مفید رئیس اسبق دیوان عالی کشور «در ابتدای انقلاب اسلامی که هنوز قوانین کشور تدوین نشده بود، «آیت‌الله بهشتی نقش موثری در تدوین قانون مجازات اسلامی داشت.»<sup>۱۱</sup>

۱۰ - <http://tarikhirani.ir/fa/news/4500>

۱۱ - <https://www.farsnews.ir/news/8804020370>

بنابراین یکی دیگر از حوزه‌های فعالیت شهید بهشتی، در حوزه تدوین قوانین و از جمله شکل‌گیری قانون اساسی کشور بود. به گفته جواد منصوری «در خصوص تدوین قانون اساسی هم ایشان یکی از اصلی‌ترین نظریه پردازان بعد از انقلاب بودند و در واقع در تدوین اصول مربوط به ولایت فقیه، جایگاه و نقش مردم در حاکمیت نظام و یک اصل بسیار مهم یعنی گنجاندن موضوع سپاه پاسداران در قانون اساسی نقش بسیار کلیدی داشتند که امروز ثمرات آن را می‌بینیم.»<sup>۱۲</sup>

مطالعه کامل اقدامات شهید بهشتی در حوزه تدوین قانون اساسی، نیازمند مجال وسیعی است، اما به‌طور کلی گنجاندن اصولی از قانون اساسی که بر موضوعات ذیل تأکید داشت، حاصل تلاش‌های شهید بهشتی در این زمینه است؛ موضوعات همچون: اصل ولایت فقیه، اصل «کرامت و ارزش»، «آزادی و اختیار» و «مسئولیت» انسان، تضمین حقوق شهروندی، اصل «اتکای اداره امور کشور به آرای عمومی»، اصل «آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت» و ... از این جمله است.

### ج) محورهای مهم اندیشه سیاسی آیت‌الله بهشتی

شهید بهشتی با این که به دلیل عملکرد ساختارمند و فعالیت تشکیلاتی مشهور شده است، اما در گام اول یک متفکر اصیل و صاحب نظر محسوب می شود و اندیشه های ایشان جایگاه مهمی در تقویت ذخیره فکری اسلام در دوران کنونی محسوب می گردد. به صورت مختصر محورهای اصلی اندیشه سیاسی شهید بهشتی را در ذیل مطالعه می کنیم:

### ۱- بازخوانی اسلام با نگاه به مقتضیات روز

آیت الله بهشتی همانند استاد مطهری، از مباحث دینی و فلسفی آغاز می کند و سپس به تدوین ایدئولوژی اسلامی و مبارزه علیه وضع موجود روی می آورد. رساله دکتری ایشان با موضوع «مسائل مابعدالطبیعه در قرآن» - که بعدها با عنوان خدا در قرآن منتشر شد- را می توان سرآغاز اندیشه ورزی وی دانست. دکتر شهید بهشتی در این کتاب بر تلاش دوباره و با روشی نو و تحقیقی جهت «شناخت چهره واقعی اسلام در آینه کتاب و سنت» تأکید دارد. شناخت علمی طبیعت و دنبال کردن روش ارسطو در طبیعت شناسی و از آن به مابعدالطبیعه، شناخت مبدأ و معاد، اثبات وجود خدا با توجه به ادیان دیگر و بیان استدلالات قرآنی، بحث اصلی شهید بهشتی در این کتاب است. ایشان توحید، مبدأشناسی و معاد را در تعامل با دیدگاه های فلسفی - به ویژه نظریات ارسطو، ابن سینا، علامه طباطبایی - و نظر دیگر ادیان الهی بررسی می کند و دست آخر نظر اسلام و قرآن را در این زمینه ارائه می -



دهد.<sup>۱۳</sup> تأکید بر فطرت و خداجویی فطری و ذاتی انسان از دیگر مباحث مورد توجه آیت‌الله بهشتی است و ایشان فطرت را به معنای «خدادوستی، خداگرایی و خداجویی عاشقانه» تعبیر می‌کنند و از جمله ایشان در زمینه خدانشناسی معتقد است: «انسان در این سیر و سلوک بر ساده‌ترین دریافت‌های درونی خویش، تکیه دارد و هیچ نیازی نیست که خود را در دست اندازه‌ها و پیچ و خم‌های استدلال‌های فنی بیندازد.»<sup>۱۴</sup> بخشی دیگر از مباحث شهید بهشتی در این کتاب ردّ استدلال‌ات دهریون در زمینه مبدأ و خدانشناسی است که با توجه به مباحث ابن سینا در شفا دنبال می‌شود.<sup>۱۵</sup>

## ۲- جامعیت اسلام و پاسخ به نیازهای بشر

کتاب شناخت اسلام یکی دیگر از آثار شهید بهشتی در زمینه الهیات و ایدئولوژی اسلامی است که البته با همکاری دکتر محمدجواد باهنر و دکتر علی گلزاده (غفوری) طی سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ به عنوان کتاب تعلیمات دینی برای وزارت آموزش و پرورش تهیه شده است و خدانشناسی را با زبانی ساده و استدلالی ارائه می‌کند.<sup>۱۶</sup> این کتاب از پیشرفت علمی و مادی-

۱۳- بهشتی حسینی، (خدا از دیدگاه قرآن)، ۱۳۷۹: ۱۶-۵۰.

۱۴- همان: ۶۰-۹۸.

۱۵- همان: ۲۴۲-۲۴۵.

۱۶- بهشتی حسینی و دیگران، (شناخت اسلام)، ۱۳۸۶: ۱۳.

گرایی عصر جدید، از خودبیگانگی انسان مدرن و به حاشیه رفتن اخلاق و ایمان آغاز می‌کند و با توجه به احساس نیاز انسان امروز به معنای زندگی، دین اسلام را بهترین پاسخ به نیازهای معنوی انسان، به‌عنوان معنای زندگی می‌داند که البته منافاتی با نیازهای مادی ندارد و ایمان خود سبب پیشرفت علم و صنعت می‌شود.<sup>۱۷</sup> اثبات خدا و توحید، تأکید بر توحید اجتماعی و پرهیز از تفرقه، آثار مادی و معنوی ایمان در زندگی انسان، هماهنگی میان علم، عقل و وحی، تشریح استدلالی اصول عقاید همچون توحید، عدل و معاد و بیان انسان‌شناسی قرآنی از مباحث مهم این کتاب است. مباحث اخلاقی همچون زهد، تقوا، عطوفت، دوستی، صلح و مسأله اجتماعی همچون اهمیت ازدواج، عدالت اجتماعی و... از دیگر مباحث این کتاب هستند. در مجموع نویسندگان کتاب اسلام را در مقام راهنمای دنیوی و اخروی انسان مطرح کرده و سعی دارند دیدگاه اسلام در همه حوزه‌های زندگی را مورد بحث قرار دهند.

### ۳- ولایت فقیه در عصر غیبت و پیوند اسلامیت و جمهوریت

بخش دیگری از اندیشه‌های شهید بهشتی در زمینه حکومت اسلامی و ساختارهای سیاسی از دیدگاه اسلام است. ایشان به مباحث ولایت در

اسلام، حادثه غدیر، ضرورت رهبری، رهبری در اسلام و چگونگی انتخاب آن، ولایت فقیه و... می‌پردازد. آیت‌الله بهشتی هدف اصلی نهضت اسلامی را حاکمیت اسلام و برخورداری جامعه از مواهب دنیایی با اجرای قانون اسلام می‌داند و همه ارکان این نظام سیاسی اسلام، یعنی «در اقتصاد، در اداره جامعه، در سیاست دفاعی، در سیاست فرهنگی و آموزشی، در روش قضایی، در حقوق مدنی، در حقوق جزا و همه این موارد» باید طبق اسلام باشد و زمانی این مطابقت صورت می‌گیرد که ولی فقیه در رأی حکومت قرار گیرد.<sup>۱۸</sup>

دخالت مراجع تقلید در «مسائل فقهی و ایدئولوژیک مربوط به مسأله رهبری، تام و کامل است»، اما در تشخیص موضوع، یعنی این که چه کسی رهبری جامعه را برعهده بگیرد، آنان نیز همانند دیگر مردم یک رأی دارند.<sup>۱۹</sup>

در مجموع نظام ولایت فقیه در عصر غیبت از محکومات اندیشه شهید بهشتی محسوب می‌شود و حتی ایشان این نوع نظام سیاسی را به عنوان امت و امامت یاد می‌کنند و می‌گویند: «نام نظام سیاسی در قانون اساسی

۱۸- حسینی بهشتی، (ولایت و رهبری)، ۱۳۸۳: ۲۷۸-۲۸۱.

۱۹- همان: ۲۱۶-۲۱۷.

جمهوری اسلامی چیست؟ اسم آن را چه نوع نظامی بگذاریم؟... حقیقت این است که برداشت تشیع راستین از اسلام، مناسب‌ترین نام برای این نظام را قبلاً پیش‌بینی کرده است. می‌توانید با این اشاره‌ای که کردم خودتان بگویید تشیع راستین برای نظام سیاسی اسلام چه عنوان گویایی را انتخاب کرده است؟ نظام امت و امامت؛ نظام سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی، نظام امت و امامت است و حق این است که با هیچ‌یک از این عناوینی که در کتاب‌های حقوق سیاسی یا حقوق اساسی آمده قابل تطبیق نیست».<sup>۲۰</sup>

ایشان در جایی دیگر نیز می‌گویند: «ملت ایران، جامعه اسلامی، امت اسلام! ... راه رسیدن واقعی در همه تلاش‌ها و حرکت‌های اجتماعی به آرمان‌ها و هدف‌های الهی و انسانی امت، این است که در میان اصول زیربنایی انقلاب و حرکت، در هیچ مرحله از نقش خلاق، رهایی‌بخش و سعادت‌آفرین امامت غافل نمانیم. «اما من کان من الفقها، صائناً لنفسه حافظاً لدینه، مخالفاً لهواء، مطیعاً لامر مولاه، فلعوام ان یقلدوه» این اصل امامت است. اگر امام، معصوم و منصوب و منصوب خدا باشد، تکلیف روشن است. در زمان غیبت آن امام، آن فقیه و عالم و اسلام‌شناس اصیل که «صائناً لنفسه» باشد،

۲۰- حسینی بهشتی، مبانی نظری قانون اساسی، ۱۳۸۰، سوم، بقعه، ص ۱۵.

خوددار باشد ... یک چنین امام و رهبری است که شایستگی دارد توده‌ها دنباله‌رو، مطیع دستور و فرمان او باشند».<sup>۲۱</sup>

در کنار توجه به این اندیشه، باید در نظر داشت که شهید بهشتی اعتقاد راسخی هم به نقش مردم در حاکمیت دینی داشتند و به تعبیر یکی از محققین «هنر شهید بهشتی این بود که توانست «جمهوریت» و «اسلامیت» را در قانون اساسی کنار هم بنشانند تا هم «حق تعیین سرنوشت مردم» نهادینه شده و همه امور کشور متکی بر آرای ملت باشد و هم عقیده و ایمان اکثریت جامعه به مکتب اهل بیت پیامبر(ص)، حرمت داشته باشد؛ نه کسی زمامداری جامعه را حق خویش بپندارد که می تواند آن را در خاندان خویش موروثی کند و نه حق داشته باشد، موازین دینی و قانونی را نادیده بگیرد. نه استبداد داخلی بار دیگر در این مرز و بوم جان بگیرد، و نه استعمار خارجی بتواند بر مقدرات این کشور چیره شود»، از همین رو چنان‌که گذشت در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضمن تأکید بر گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، در دفاع از حقوق مردم نیز تلاش زیادی کردند.<sup>۲۲</sup>

۲۱- حسینی بهشتی، ولایت، رهبری، روحانیت، ۱۳۸۳، دوم، بقعه، ص ۲۶۷-۲۶۶.

۲۲- سید جواد ورعی، «شهید بهشتی و حقوق ملت در قانون اساسی»، نشریه سیاست نامه مفید، بهار و تابستان

آیت‌الله بهشتی همچنین به چگونگی شکل‌گیری ساختارهای حکومت اسلامی توجه ویژه‌ای دارد و ضرورت حاکمیتی اسلام را به صورت کلی و در محدوده ولایت فقیه تنها مطرح نمی‌کند، بلکه دغدغه ایشان چگونگی صورت دادن به ساختارهای اسلامی حکومت جدی‌تر است، از همین رو ایشان به ساختار حقوقی و اقتصادی حکومت از دیدگاه اسلام توجه دارد. موضوع اقتصاد اسلامی و بانکداری از دیدگاه اسلام جزء تأملات اولیه آیت‌الله بهشتی است و از جمله در سال ۱۳۴۲ مقاله‌ای را با عنوان «بانکداری و قوانین مالی اسلام» منتشر می‌کند.<sup>۲۳</sup> تحریم ربا، عدم مخالفت این تحریم با افزایش سرمایه‌ها و در مقابل جلوگیری از ایجاد سرمایه‌داران بزرگ، ملی کردن صنایع بزرگ و همزمان کمک دولت به بخش خصوصی، تأکید بر ایجاد مؤسسات قرض‌الحسنه، وام‌های بدون بهره (همان: ۲۰-۲۳) تشریح عقود و معاملات اسلامی، تقسیم عادلانه درآمدها در کنار تأکید بر قرض‌الحسنه جهت حل فاصله طبقاتی (همان: ۵۰-۹۵) از جمله مباحث اقتصادی شهید بهشتی است.

#### ۴- نقد مکاتب ماده‌گرا

۲۳- حسینی بهشتی، (بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام)، ۱۳۸۶: ۹.

نقد فلسفی مارکسیسم و ماتریالیسم دیالکتیک از دیگر مباحث مورد توجه آیت‌الله بهشتی است. ایشان علاوه بر توجه به این موضع در طول دوران فکری خود، سلسله جلسات مخصوصی را در تابستان ۱۳۵۹ در واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی به بحث «شناخت» اختصاص می‌دهند که هدف اصلی آن نقد شناخت دیالکتیکی و ادعاهای مارکسیسم در زمینه خودآگاهی است.<sup>۲۴</sup>

در مجموع شهید بهشتی در هم‌سویی با دیگر یاران امام خمینی(ره) با اعتقاد به جامعیت اسلام و الگومندی آن در همه حوزه‌های زندگی سیاسی-اجتماعی، تلاش گسترده‌ای را جهت استخراج برنامه اسلام در همه ابعاد زندگی انسان آغاز کرد.

### د) جنگ شناختی معاندین علیه آیت‌الله بهشتی

چنان‌که گفته شد، جنگ تبلیغاتی علیه شهید بهشتی تا سر حد ترور شخصیتی ایشان، یکی از موضوعات مهم است که بررسی آن نکات ارزشمندی را در زمینه شناخت انگیزه‌های مخالفان جمهوری اسلامی بیان می‌دارد و چنان‌که گذشت حمایت امام خمینی(ره) از شهید بهشتی بود که توانست مانع تأثیرگذاری تبلیغات مخالفان و معاندین شهید بهشتی شود. از

۲۴- حسینی بهشتی، (شناخت از دیدگاه فطرت)، ۱۳۷۸: ۹.

جمله این حمایت‌ها آنجاست که امام خمینی(ره) بعد از حادثه ترور شهید بهشتی و یارانشان گفتند:

«من کراراً گفته‌ام که مرحوم آقای بهشتی در این مملکت مظلوم زیست. تمام مخالفین اسلام و مخالفین این کشور حمله مستقیم‌شان را به ایشان و بعضی دوستان ایشان کردند. کسی را که من بیشتر از بیست سال می‌شناختم و روحیاتش را مطلع بودم و می‌دانستم چه جور مرد صالحی و مرد به درد بخوری برای این کشور است... مراتب فضل ایشان و مراتب تفکر ایشان و مراتب تعهد ایشان بر من معلوم بود و آنچه که من راجع به ایشان متاثر هستم [این است که] شهادت ایشان در مقابل او ناچیز است و آن مظلومیت ایشان در این کشور بود.»<sup>۲۵</sup>

ترور شخصیت شهید بهشتی امروزه هم با توجه به تداوم حمله‌ها علیه شهید بهشتی در شبکه‌های تلویزیونی معاند و همچنین تفسیر به رأی برخی جریان‌ات و عناصر داخلی از نوع مخالفان شهید بهشتی از اهمیت زیادی برخوردار است.

مخالفان شهید بهشتی در گام اول مجاهدین خلق (منافقین) بودند. این جریان، که از فردای پیروزی انقلاب اسلامی مخالفت خود را با جمهوری

۲۵- روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۵۱۸ و ۵۱۹.



اسلامی آغاز کرد و نه در رفراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به جمهوری اسلامی آری گفته اند و نه در همه پرسى قانون اساسى به قانون اساسى جمهوری اسلامی ایران رأى مثبت داده اند، حزب جمهوری اسلامی و آیت الله بهشتى دبيرکل آن را با عنوان حزب چماقداران و انحصارطلبان هر صبح و شام مورد تهاجم تبلیغاتی و سیاسى شان قرار مى دهند. منافقین آیت الله بهشتى را راسپوتین انقلاب لقب مى دادند.

ریشه عناد منافقین با شهید بهشتى را با مرورى بر اعترافات وحید افراخته بهتر مى توان شناخت. افراخته از مسئولان رده بالای مجاهدین خلق و فردى بود که به هنگام تغییر ایدئولوژى مجاهدین از اسلام به مارکسیست، از این تغییر استقبال کرد و از همین جهت نقش فعالی در ترور مجید شریف واقعی ایفا نمود و البته فرماندهى عملیاتی ترور دو مستشار آمریکایی را نیز انجام داد. اعترافات افراخته که در کتاب «تقى شهرام به روایت اسناد ساواک» آمده صراحت دارد که «تقى شهرام به طور جدی به دنبال ترور و حذف فیزیکی مرحوم دکتر بهشتى بوده است. نخستین مورد را در تک نویسى اش درباره تقى شهرام آورده، بدین صورت: «... بسیار ضد مذهبى است. طرح کشتن مخفیانه بهشتى از اوست.» همچنین در جایی دیگر افراخته اعتراف مى کند که «شهرام در مورد او [شهید بهشتى] مى گفت: باید از او ترسید؛ فردى است بسیار سیاس، باهوش و جاه طلب؛ در آرزوى

جاننشینی خمینی است؛ او به آسانی با رژیم علیه مجاهدین متحد خواهد شد. تنها راه چاره، کشتن اوست؛ منتها به طوری که رد باقی نگذاریم؛ مثلاً زیر ماشین گرفتن او!...»<sup>۲۶</sup>

اعترافات فوق همچنین کاردانی و توانایی مدیریتی شهید بهشتی و احساس خطر جریانات معاند از این موضوع را نشان می‌دهد. علاوه بر این طبق خاطرات افراخته، یکی از دلایل طرح ترور شهید بهشتی توسط مجاهدین خلق در دوران قبل از انقلاب اسلامی این بود که بعد از تغییر ایدئولوژی مجاهدین از اسلام به مارکسیست، این سازمان که وابستگی شدیدی به کمک‌های مالی بازار داشت، با قطع این کمک‌ها مواجه شد و شهید بهشتی در قطع کمک بازاریان مسلمان به مجاهدین مارکسیست نقش مهمی ایفا کرد.

بنابراین ترور شهید بهشتی از دوران قبل از انقلاب اسلامی جزء اهداف مجاهدین خلق (و سپس منافقین) محسوب می‌شد. این موضوع خود نشانه روشنی از وابستگی فکری و ایدئولوژیک جریان مسعود رجوی به مارکسیست‌ها از همان روزهای اولیه پیروزی انقلاب اسلامی است، چرا که رجوی مدعی جدایی از مجاهدین مارکسیست و اعتقاد به اسلام بود.

این در حالی است که طبق گفته‌های علیرضا بهشتی، فرزند شهید بهشتی، «در سال ۱۳۶۰ که اوج درگیری‌های سیاسی بود اکثر فداییان خلق با شهید بهشتی جلسه‌ی خصوصی داشتند و خود این گروه‌ها این دیدارها را مثبت ارزیابی کرده‌اند چون از اینکه می‌دیدند در چنین شرایطی آقای بهشتی با آنها جلسه برگزار می‌کرده و به حرف‌های آنان گوش می‌داده تعجب می‌کردند.» همچنین شهید بهشتی که هدفش اصلاح ایدئولوژیک منافقین بود بر سر این موضوع با مسعود رجوی بحث می‌کرد.<sup>۲۷</sup>

بنی‌صدر در هم‌سویی با منافقین یکی دیگر از افرادی بود که دشمنی زیاد با شهید بهشتی داشت و ایشان را رقیب خود و خود را رقیب شهید بهشتی می‌دانست. در حالی که پس از انتخاب بنی‌صدر به ریاست جمهوری، شهید بهشتی به حضرت امام (ره) پیشنهاد کرد که فرماندهی کل قوا را به بنی‌صدر بدهد، چون معتقد بود که اگر رئیس‌جمهور قوای مسلح در اختیار نداشته باشد نمی‌تواند وظایف ریاست جمهوری را درست انجام دهد. غیر از این در چند مورد دیگر هم مرحوم شهید بهشتی به کمک و مساعدت بنی‌صدر شتافت ولی او بدترین دشمنی‌ها را با شهید بهشتی کرد. بنی‌صدر در جریان تصویب پلیس قضایی با صراحت مخالفت می‌کرد و می‌گفت: «قصد بهشتی از ایجاد پلیس قضایی این است که نیروی مسلح در اختیار داشته باشد.»

پس از فوت آیت‌الله آقای سید محمود طالقانی روزی بنی‌صدر که از تبریز بازگشته بود در مجلسی با خنده و تمسخر گفت: تبریزی‌ها شعار می‌دادند و می‌گفتند: «بهشتی طالقانی را تو کشتی». ظاهراً همه اهل مجلس از این توهین ناراحت شدند. همچنین وقتی که بنی‌صدر به فکر فرار افتاد و در مخفیگاهی پنهان شده بود، نیروهای انقلاب که در پی بنی‌صدر می‌گشتند خانم بنی‌صدر را با خانم سودابه سدیفی گرفتند و به مرحوم بهشتی مژده دادند که خانم بنی‌صدر را دستگیر کرده‌ایم. اکنون بنی‌صدر هر کجا باشد خود را تسلیم می‌کند. با وجود آن همه سوابق بدی که مرحوم شهید بهشتی از بنی‌صدر داشت، سخت برآشفته و گفت: «ما حق نداریم یک زن را دستگیر کنیم در حالی که هیچ تقصیری ندارد الا این که زن بنی‌صدر است و شوهرش به خاطر خیانت تحت تعقیب است.» لذا دستور داد که فوراً او را آزاد کنند.<sup>۲۸</sup>

علاوه بر دشمنی مجاهدین و منافقین با شهید بهشتی، نیروهای ملی‌گرا نیز با شهید بهشتی مخالف بوده و او را به انواع تهمت‌هایی مانند «انحصارطلبی» و «دیکتاتور» معرفی می‌کردند تا جایی که طبق خاطرات کیومرث صابری (گل آقا)، وقتی شهید رجایی به عیادت بازرگان در بیمارستان رفت، مهندس بازرگان که اتفاقاً شهید بهشتی در دوران قبل از

انقلاب اسلامی رابطه نزدیک و دوستانه‌ایی با وی داشت، متأثر از این تبلیغات چنین نگاهی داشت و او هم معتقد بود آیت‌الله بهشتی «انحصارطلب» است.<sup>۲۹</sup> این تهمت‌ها تا جایی بود که اصغر صدر حاج سید جوادی از روشنفکران سکولار نزدیک به جبهه ی ملی، شهید بهشتی را «رضا خان دوم» لقب می‌داد.<sup>۳۰</sup>

همچنین بخش زیادی از جناح چپ نیروهای موسوم به خط امام (ره) نیز تصور غلطی نسبت به آیت الله بهشتی و حزب جمهوری اسلامی داشتند، به‌گونه‌ایی که بعد از اشغال لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ این افراد هیچگاه اجازه ندادند شهید بهشتی پایش به آن جا برسد. این در حالی بود که شهید بهشتی که به شهادت اظهارات دانشجویان پیرو خط امام و مصاحبه‌های موجود از وی، جز اولین حمایت‌کنندگان از حرکت دانشجویان بود، قدم به سفارت تسخیر شده آمریکا نگذاشت و همواره چهره‌های چپ‌گرای درگیر در تسخیر لانه جاسوسی از آن ممانعت کردند.

مجموع این حملات ناروا علیه شهید بهشتی در حالی بود که کلام امام خمینی (ره)، در مقام فقیه جامع شرایط، به‌خوبی ویژگی‌های شهید بهشتی

۲۹- ر.ک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، خاطرات کیومرث صابری (گل آقا)، تهران: ۱۳۸۶.

را بیان می‌کند. همچنین بسیاری از نیروهای خط امامی، آیت الله بهشتی یک روحانی اصولی، فلسفه دان و مسلط به دیگر علوم حوزوی، روشن بین، دنیادیده، زبان دان که تجربه زندگی در غرب را داشته و در عین حال فقیه و مجتهدی مسلم و اصولی نیز هست که به اجتهادات خاص و پویای خود شناخته می‌شد. مجتهد متفکری که شجاعت اجتهاد و اندیشیدن را دارد و از رسیدن به اجتهادهای نو و تازه اما اصولی، ابایی ندارد. بنابراین این همه دشمنی با آیت الله شهید به این دلیل بود که شهید بهشتی در کنار آیت الله مطهری مهم‌ترین و بزرگترین ایدئولوگ و نظریه پرداز اسلام مکتبی و فقهاتی بود که مانع از گسترش اسلام التقاطی و بی ضابطه جریانات چپ‌زده و ملی‌گراها بود.

### ه) درس‌های برای امروز

شخصیت و اندیشه شهید بهشتی و دلایل دشمنی‌های شدید علیه ایشان، چند نکته را برای اندیشیدن به مسائل امروز کشور و پرتویی بر حل این مسائل بیان می‌دارد که اشاره‌وار به آن‌ها می‌پردازیم:

۱- کنش سیاسی تشکّل‌گرا، تفکر نهادمند، عمل سیاسی با ضابطه و برنامه-ریزی شده با هدف تقویت نظام جمهوری اسلامی (به معنای نهادینه سازی ارزش‌های حاکم و افزایش جامعه پذیری سیاسی و نیز پاسخ به تقاضاهای

جامعه) و در عین حال برخوردار از رویکردی منعطف و انتقادپذیر از جمله ارزش‌های مهمی است که در اندیشه و عمل شهید بهشتی به عیان دیده می‌شود. زنده نگه داشتن این ارزش‌ها در جامعه امروز ایران بسیار ضرورت دارد و موفقیت نیروهای سیاسی متعهد تأثیر مثبت آن‌ها بر تقویت قدرت ملی و تحکیم ارزش‌های دینی در جامعه، در گروه توجه به این ارزش‌هاست. البته طراحی سازوکاری برای عملیاتی کردن این ارزش‌ها خود نیازمند بحثی دیگر است که از حدود این نوشتار فراتر می‌رود.

۲- مروری بر انگیزه‌های جریانات و عناصر مخالف شهید بهشتی بیان‌گر ترس و واهمه آن‌ها از اقدامات تشکل‌گرا و اندیشه نهادمند است. حیات سیاسی این دست از جریانات در بی‌انضباطی، هرج‌ومرج و حاشیه‌سازی سیاسی است. این پیام مهمی است که نیروهای متعهد باید آن را جدی گرفته و با پرهیز از حواشی سیاسی و پذیرش قانون و ارزیابی همه عناصر و جریانات سیاسی با محوریت قانون، در دام مطلوبیت‌های عناصر و جریانات واگرا نیفتند.

۳- انعطاف سیاسی شهید بهشتی و بحث و گفتگو با مخالفان و منتقدین خود به معنای عدم نگرش تقابلی و حذفی به حوزه سیاست است. هر چند تقابل با معاندان ملت ایران و کسانی که رویکرد و روش‌های خشونت‌آمیز

را در پیش گرفته‌اند امری لازم و طبیعی محسوب می‌شود. شهید بهشتی از منظر امر به معروف و نهی از منکر، معتقد به سیاست‌ورزی گفتگویی، آن هم گفتگوی مستقیم با مخالفان داخلی بود تا بتواند مانع از خرابکاری بیشتر آن‌ها و قرار دادن توان آن‌ها در جهت افزایش قدرت جمهوری اسلامی شود. تحکیم حیات جمهوری اسلامی امروزه با چنین نگرش‌هایی مقدور است و در دورانی که جنگ شناختی دشمن به دنبال افزایش ریزش‌ها و گسترش جبهه مخالفان و معاندان جمهوری اسلامی است، تنها یک سیاست و رویکرد گفتگویی - که ریشه در مبانی دینی و امر به معروف و نهی از منکر دارد - می‌تواند برنامه‌های دشمن را خنثی نماید.